



معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش در گفت‌وگو با «ایران»:

فضای مجازی، سواد کودکان را تهدید می‌کند

گفت‌وگو

غزل ثانی / گروه اجتماعی- آموزش حضوری و سنتی در سال تحصیلی ۱۴۰۴-۱۴۰۵ با رقیبی تازه نفس و قدرتمند روبه‌رو شد؛ رقیبی به نام فضای مجازی و بیستر دیجیتال که نه تنها عادت‌های مطالعه را دگرگون کرد، بلکه الگوهای ذهنی نسل جدید را نیز بازنویسی می‌کند. معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش با اشاره به این تغییرات بنیادین معتقد است فضای مجازی تمرکز دانش‌آموزان را تضعیف کرده و زیست‌دوگانه میان کتاب و صفحه کلید، در مهارت‌های اساسی خواندن و نوشتن اثرات جدی گذاشته است؛ وضعیتی که در دوران کرونا تشدید شد و آموزش را با چالش‌های تازه‌ای روبه‌رو کرد. او در این میان از اجرای طرح‌هایی مانند «خوانا» و «حامی» که به یادگیری کمک کرده می‌گوید. با توجه به گسترش حضور دانش‌آموزان در فضای مجازی، از رضوان حکیم‌زاده معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش و پرورش درباره تأثیر این فضا بر روند یادگیری دانش‌آموزان پرسیدیم و راهکارهای آموزش و پرورش برای پشت سر گذاشتن این دوره را بررسی کردیم.

در حال حاضر که استفاده از فضای مجازی و بیستر دیجیتال در آموزش بیش از گذشته شده، تأثیر آن در میزان یادگیری دانش‌آموزان چیست و چه نقاط ضعف و قوتی در عملکرد آنها دارد؟

در دنیای امروز، همه دانش‌آموزانی که به مدرسه می‌روند، نه تنها در ایران بلکه در تمام کشورهای دنیا با یک چالش بسیار جدی مواجه هستند که آن هم تفاوت آموزش با فضای مجازی و دنیای دیجیتال است. این رقابت‌ها نه تنها عادت مطالعه را تغییر می‌دهد، بلکه طرح‌واره‌های ذهنی افراد را هم عوض می‌کند. کتاب‌های علمی متعددی در این زمینه نوشته شده که توضیح می‌دهد فضای دیجیتال و اینترنت با مغز ما چه کار می‌کند و نه تنها در کودکان، بلکه بزرگسالان هم به اطلاعات فست‌فودی عادت کرده‌اند.

این روزها افراد دیگر برای مطالعه طولانی وقت نمی‌گذارند، ولی در گذشته مطالعه کتابخوانی در فرهنگ مردم جایگاه ویژه‌ای داشته است.

ما در دوره‌ای تحصیل کردیم که دنیای وب وجود نداشت، به همین دلیل وقت زیادی برای مطالعه می‌گذرانیم، اما در حال حاضر می‌بینیم که دنیای وب چه تأثیری بر دنیای واقعی ما گذاشته است، حال چه برسند به کودکان که با صفحه کلیدها و دنیای مجازی سرو کار بیشتری دارند. این موضوع تمرکز دانش‌آموزان را به هم می‌زند و همه اینها در سال‌های اولیه آموزش می‌تواند اثرات بسیار نامطلوبی داشته باشد.

آموزش مجازی و فعالیت‌های بی‌رویه در بیستر مجازی در یادگیری مهارت‌های خواندن و نوشتن دانش‌آموزان هم تأثیر دارد؟

بله، مهارت نوشتن دانش‌آموزان عمدتاً به دلیل دوگانگی زیست در دنیای دیجیتال و دنیای واقعی دچار مشکل شده است؛ چون تعارض در کتاب‌ها و صفحه کلیدها می‌تواند مهارت خواندن و نوشتن دانش‌آموزان را تحت تأثیر قرار دهد. این مسأله چالش عمده‌ای است که در دوران کرونا تشدید شده و دنیا هم این چالش را پذیرفته است.

از طرف دیگر در این نظام آموزشی بیش از اینکه به مهارت صحبت کردن، درک مطلب، شنیدن و مهارت‌های زبانی توجه شود به روخوانی و رونویسی پرداخته شده است.

اما برای حل این مسأله راهکارهایی ارائه داده‌ایم؛ مثلاً در دوره قبلی طرح «خوانا» را کار کردیم که تمرکز آن بر مهارت‌های چهارگانه خواندن، نوشتن،

کرونا مواجه شدیم، اما تلاش کردیم هر طور شده برای جبران افت یادگیری دانش‌آموزان، اجرای آن را ادامه دهیم. ارزیابی‌های متعدد نشان می‌دهد این طرح خیلی موفق بوده است. قبل از اجرای این طرح یک پیش‌آزمون و بعد از اجرای آن، یک پس‌آزمون گرفتیم؛ نتایج این دو آزمون نشان داد بیش از ۸۰ درصد موفقیت داشته‌ایم و این تحقیقات مربوط به یک سالی است که طرح اجرا شد. بنابراین در سال اول دربرگیری این طرح ۵ درصد بود و سال بعد به ۲۵ درصد رسید. اما به هر دلیلی بعد از تغییر دولت استقرار دولت جدید در آن زمان، دوستانی که روی کار آمدند طرح را متوقف کردند و ادامه پیدا نکرد.

حالا در دوره جدید، طرح حامی (حمایت آموزشی مستمر یادگیرندگان) را اجرا کردیم. با این نظر داشتن نتایج آزمون‌های بین‌المللی نیز و پرلز (آزمون بین‌المللی تیمز برای سنجش دانش‌آموزان در علوم و ریاضیات و آزمون پرلز برای سنجش توانایی خواندن و سواد ادبیاتی دانش‌آموزان برگزار می‌شود)، با رویکرد عدالت آموزشی، با نتایج نوبت اول، دانش‌آموزانی که از نیازمندی تلاش و قابل قبول در این سه درس بوده‌اند، شناسایی و بر اساس آن یک دست‌ورالعملی صادر کردیم که توسط مدیر مدرسه یک برنامه تقویتی با رویکرد محیط مثبت یادگیری اجرا شود. ویژگی و شاخصه اصلی این برنامه، نه فقط اجرای یک برنامه تقویتی، بلکه محیط مثبت یادگیری است. این محیط مثبت

طرح کاهش سن ابتدایی انتقادات متفاوتی را در پی داشت، با وجود موافقت‌ها و مخالفت‌ها این طرح در چه مرحله‌ای قرار دارد؟

یکی از بندهای مهم در طرح تقویت نظام آموزشی که توسط کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود، موضوع شروع دوره ابتدایی از پنج سالگی و همچنین بحث اجباری کردن دوره پیش‌دستانی است. در این زمینه برگزار کردیم، سعی شد تفکیکی بین این دو مورد لحاظ شود؛ از لحاظ طبقه‌بندی درست دوره‌های تحصیلی یک منبع بین‌المللی وجود دارد که یونسکو در سال ۲۰۱۱ آخرین نسخه آن را با عنوان استانداردسازی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش ارائه داد. در این طبقه‌بندی دوره پیش‌دستانی کاملاً به عنوان یک دوره مجزا در نظر گرفته شده است. بعد از پیش‌دستانی دوره دبستان، متوسطه اول و متوسطه دوم، دوره قبل از دانشگاه (حد فاصل دوره دبیرستان و دانشگاه)، دوره لیسانس، فوق لیسانس و دکتری و... را داریم. اما از آنجا که ماهیت، برنامه‌ها، روش‌ها و جهت‌گیری‌ها در تربیت اوان کودکی از دوره دبستان متفاوت است، بنابراین تعریف و تفسیر شروع ابتدایی از پنج سالگی تفسیر دقیق و صحیحی نیست. به این دلیل که سن شروع دبستان قطعاً باید بعد از پنج سال باشد، هرچند کشورهای انگشت‌شماری هستند که پیش از پنج سالگی دوره ابتدایی را شروع می‌کنند. در اکثر کشورها دوره ابتدایی بعد از شش سال یا حتی هفت سال تمام است.

پس در اینجا منظور قانونگذار از کاهش سن آموزش ابتدایی دقیقاً چیست؟

منظور قانونگذار این بود که دوره آموزش پیش‌دستانی را یک سال رسمی و اجباری کند، بنابراین همان‌طور که گفتم تغییر شروع دوره دبستان از پنج سالگی دقیق نیست، ولی اگر بگوییم شروع آموزش رسمی از پنج سالگی با یک سال پیش‌دستانی اجباری همراه است قابل دفاع است. کشورهای پیشرفته در آموزش و کشورهایی که در آزمون‌های بین‌المللی نتایج خوبی به دست آورده‌اند، نشان دادند هر چقدر در دوره پیش‌دستانی سرمایه‌گذاری شود در مراحل بعدی تحصیلی، کودکان موفقیت بیشتری کسب خواهند کرد. بنابراین هر چقدر که ما بتوانیم دوره پیش‌دستانی را در خانواده‌های کمتر برخوردار و مناطق محروم، فراگیرتر کنیم فاصله و شکاف در نتایج یادگیری کمتر خواهد بود. تحلیل نتایج تیمز و پرلز در ایران نشان می‌دهد دانش‌آموزانی که تجربه دوره پیش‌دستانی را داشتند و دانش‌آموزانی که نداشتند، در پایه چهارم و هشتم تفاوت قابل ملاحظه‌ای با هم نداشته‌اند.

در نهایت این طرح از چه زمانی آغاز خواهد شد؟

در حال حاضر این طرح در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس نهایی شده، البته بحث اصلی آن رسمی و اجباری شدن دوره پیش‌دستانی است و به پوشش سراسری تحصیلی در استان‌ها و خانواده‌های کمتر برخوردار کمک می‌کند. اگر این طرح مراحل قانونی خود را به خوبی طی کند و توسط مجلس به شکل قانون مصوب شود، قطعاً هر زمانی که باشد اجرا خواهد شد. زمان آن مشخص نیست ولی ممکن است برای سال آینده یا سال‌های دیگر باشد، اما به طور کلی به اقدامات و پیگیری‌های مجلس بستگی دارد.

می‌کنیم، در حالی که خیلی از دانش‌آموزان در مناطق دوزبانه و کمتربرخوردار شرایط متفاوتی دارند. برای همه دانش‌آموزان یک نقطه شروع می‌گذاریم و انتظار داریم دانش‌آموزی که تا به حال فارسی صحبت نکرده، عملکردش با دانش‌آموزی که زبان مادری‌اش فارسی است، یکسان باشد. یا اغلب انتظار داریم دانش‌آموزی که پیش‌دستانی نرفته، عملکرد مشابهی با دانش‌آموزی که به پیش‌دستانی رفته داشته باشد، در حالی که کاملاً عکس این قضیه رخ می‌دهد، به همین دلیل در پایه اول خیلی مشکلات داریم.

تعطیلی مدارس چه آسیبی به یادگیری دانش‌آموزان می‌زند؟

تعطیلی مدارس بویژه در دوره ابتدایی یک فاجعه است. باید به این نکته توجه داشت که در تمام دنیا نسبت به آموزش حضوری سختگیری‌های زیادی وجود دارد؛ یعنی اگر در مدارس سایر کشورهای دنیا، اعلام شود دانش‌آموزان به مدرسه نیایند، والدین اصلاً این موضوع را نمی‌پذیرند، در حالی که والدین دانش‌آموزان ما نسبت به این مسأله مسامحه‌کار شده‌اند و حتی در اسفندماه نیز برخی از مدارس زودتر کلاس‌های درس را تعطیل می‌کنند. من فکر می‌کنم ما یک مشکل فرهنگی در این زمینه پیدا کرده‌ایم و آن هم مسامحه و سهل‌انگاری در مورد تعطیلی مدارس است، به گونه‌ای که برخی از خانواده‌ها مانند سابق دیگر دغدغه آموزش را ندارند، به همین دلیل لازم است درباره آموزش حضوری و معایب آموزش مجازی فرهنگ‌سازی شود.

زمانی که ما به مدرسه می‌رفتیم و دانش‌آموز بودیم، مدارس تا روز ۲۸ اسفندماه باز بودند و حتی تا ظهر هم به ما اعلام نمی‌کردند آیا می‌توانیم به خانه برویم یا نه؟ حتی در مواردی که برف‌های سنگینی می‌بارید بازم نسل ما در همان روزها به مدرسه می‌رفتند.

اگر قرار باشد با بارش برف مدرسه تعطیل شود، پس کشورهایمانند اسکانندیناوی، روسیه، کانادا و قسمت‌های سردسیری آمریکا باید همیشه تعطیل باشند. این یعنی ما می‌خواهیم یک نسل ناپزورده تربیت کنیم که هیچ آمادگی‌ای برای زندگی در شرایط طبیعی نداشته باشد. اینکه به دلیل آلودگی هوا مدارس را تعطیل کنند، بازم قابل درک نیست؛ اما دلیل که آیا دانش‌آموزان در خانه خودشان هوای تمیز استنشاق می‌کنند و فقط هوای مدرسه آلوده است؟ برای حل این موضوع می‌توان کارها و برنامه‌های متعددی در نظر گرفت؛ مثلاً می‌توان زمان آموزش را کوتاه یا در رنگ تفریح دانش‌آموزان را تشویق کرد در کلاس درس بمانند. با لااقل دانش‌آموزان دو ساعت به مدرسه بیایند و بروند.

این تجربه‌ها از زمان کرونا به‌جا مانده است، در حالی که کشورهای پیشرفته در زمان شیوع کرونا، فقط یک ماه مجازی یا تعطیل شدند، سپس سعی کردند با همه تمهیدات و سختی‌های موجود، کلاس‌های درس را به شکل حضوری برگزار کنند.

آموزش مجازی خصوصاً در دوره ابتدایی یک آموزش ناکارآمد است و اصلاً مناسب کودکان در بازه سنی آموزش ابتدایی نیست. همچنین دامنه تمرکز و ساعتی که برای آموزش کودکان ابتدایی گرفته‌اند، اصلاً مناسب فضای مجازی نیست. فضای مجازی برای یادگیرنده‌های خودراهر است؛ یعنی افرادی که خودشان بزرگسال هستند و اقتدر توانایی دارند که بتوانند از فضای مجازی یادگیری لازم را کسب کنند، نه دانش‌آموزان کودک و ابتدایی که نیاز به همراهی دارند. همان اوایل که آموزش مجازی راه افتاد، بیشتر برای استفاده دانشگاه‌ها و بزرگسالان بود، اما در حال حاضر از آن برای یادگیری دانش‌آموزان ابتدایی استفاده می‌کنیم که اصلاً درست نیست.

یکی از عوامل تشدیدکننده در آموزش مجازی، همین رسانه‌ها هستند. مثلاً برخی رسانه‌ها به گونه‌ای با مسأله برخورد می‌کنند که انکار آموزش و پرورش قائل جان بچه‌های مردم است و این مطالبه را دارند که چقدر در آلودگی هوا مدارس را تعطیل نکردید؟ این بازخوردها به مشکلات دامن می‌زند و خانواده‌ها هم به این رویه عادت کرده‌اند. حتی اگر اینترنت باشد و همه دانش‌آموزان هم یک تبلت یا لپ‌تاپ خوب داشته باشند، بازم آموزش مجازی برای کودکان مناسب نیست؛ چون آموزش مجازی ذاتاً مختصات و ویژگی‌هایی دارد که مناسب آموزش و پرورش کودکان نیست و نمی‌تواند به دانش‌آموزان برای یادگیری بهتر کمک کند.

یکی از طرح‌هایی که با انتقاد زیادی از سوی والدین مواجه شد ارزشیابی کیفی-توصیفی (طرح ارزشیابی کیفی-توصیفی یک



مهارت نوشتن دانش‌آموزان عمدتاً به

دلیل دوگانگی زیست

در دنیای دیجیتال و

دنیای واقعی دچار مشکل

شده است؛

چون تعارض در کتاب‌ها و

صفحه کلیدها می‌تواند

مهارت خواندن و نوشتن

دانش‌آموزان را تحت تأثیر

قرار دهد. این مسأله چالش

عمده‌ای است که در دوران

کرونا تشدید

شده و دنیا هم

این چالش را پذیرفته است

شیوه ارزیابی در دوره ابتدایی است که به جای تکیه بر نمره عددی، پیشرفت تحصیلی دانش‌آموز را در رتبه‌های خیلی خوب، خوب، قابل قبول و نیازمند تلاش گزارش می‌دهد) بود. آیا می‌توان گفت که این طرح اشتباه بوده است؟

این طور نیست چون این شیوه را با دوران تحصیل خود مقایسه می‌کنیم. ارزیابی کیفی توصیفی یک ارزشیابی مترقی است. در کشورهای پیشرو در امر آموزش ارتقا خود به خودی و مرحله به مرحله رخ می‌دهد و حتی این ارزشیابی را هم ندارند، پس یعنی آنها ضرر کرده‌اند؟ نه. پژوهش‌های متعددی روی این طرح انجام شده است.

اینکه یک عدد(نمره) را به جای یک توصیف (ارزشیابی) بگذاریم لزوماً به این معنی نیست که کار درستی کرده‌ایم. در ارزشیابی سنتی دنبال غلط‌های دانش‌آموزان می‌گردیم اما در طرح جدید به دنبال عملکردهای درست دانش‌آموزان هستیم. خانواده‌ها مخالف هستند چون به آموزش نگاه سنتی دارند. نظام آموزشی نباید با نمره دانش‌آموزان را از هم جدا کند، بلکه نظام آموزشی باید همه دانش‌آموزان را یکسان پوشش بدهد. اگر ارزشیابی کیفی و توصیفی درست اجرا شود تأثیر خوبی خواهد داشت و اتفاقاً خانواده‌ها متوجه نقاط ضعف و قوت فرزندان خود می‌شوند.

آموزش و پرورش در مقطع ابتدایی چقدر بازمانده از تحصیل دارد؟

بازمانده از تحصیل به کودک ایرانی اطلاق می‌شود که دارای کم‌لی است و در بازه سنی خاص خود در مدرسه ثبت‌نام نکرده است. اگر کسی در مدرسه ثبت‌نام کرده باشد و در میان پایه از مدرسه خارج شده باشد ترک تحصیل به حساب می‌آید.

در نظام آموزشی دوره ابتدایی و متوسطه اول اجباری و دوره متوسطه دوم اختیاری است به همین دلیل اگر دانش‌آموزی در مقطع متوسطه دوم از چرخه تحصیل خارج شد نمی‌توانیم بگوییم ترک تحصیل کرده است. در دوره ابتدایی از کم‌لی موالیدی که در مدرسه ثبت‌نام کرده‌اند و کم‌لی که ثبت احوال در اختیار می‌دهد یک می‌شویم که چند درصد از کودکان در مدرسه ثبت‌نام نکرده‌اند.

سال ۱۴۰۳ با پلیس مهاجرت مکاتبه کردیم و متوجه شدیم ۴۰ هزار نفر از کودکان ۶ سال تمام از ایران رفته‌اند. برخی از دانش‌آموزان هم آموزش ناپذیرند یعنی ممکن است معلولیت شدید داشته باشند و نتوانند تحصیل کنند. در عین حال تعداد قابل توجهی هم اتباع هستند که از ایران خارج شده‌اند. آمار سال ۱۴۰۳-۱۴۰۲ می‌گوید ۱۸۰ هزار کودک شش سال تمام وارد مدرسه نشده‌اند ولی تلاش کردیم ۳۰ هزار نفر از آنها را به مدرسه بازگردانیم.

چند وقت پیش در یکی از روزنامه‌های کشور اماری منتشر شد مبنی بر اینکه ۳۲ درصد از دانش‌آموزان پایه چهارم

به حداقل شایستگی نمره ریاضی نرسیده‌اند. این آمار چقدر مورد تأیید شماست و عملکرد دانش‌آموزان در نمره ریاضی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

در کشور و سیستم آموزشی یک سنجش ملی به معنای علمی که نهاد مستقلی از مدرسه باشد و بتواند استانداردهای یادگیری در هر پایه تحصیلی را رصد و اعمال کند، نداریم. به همین دلیل مبنای رسمی ارزیابی، آزمون‌ها و ارزشیابی‌هایی است که در پایان سال تحصیلی از دانش‌آموزان گرفته می‌شود. با این اوصاف وقت‌ی که سنجش ملی وجود ندارد، هر گونه اظهارنظری از این دست باید با احتیاط همراه باشد.

اما آماري که شما به آن اشاره کردید صحیح نیست چون ارزیابی‌ها و تحقیقات می‌گوید آمار به دست آمده کمتر از ۳۲ درصدی است که یکی از روزنامه‌ها به آن اشاره کرده است. مثلاً تعداد دانش‌آموزانی که حتی دانش‌آموزانی بین‌المللی نیستند و آزمون‌ها نیست. اما براساس برنامه درسی خودمان و نتایج ارزشیابی رسمی که در کارنامه دانش‌آموزان به شکل پایشی ثبت می‌شود؛ نمی‌توانیم این ۳۲ درصد را تأیید کنیم و به نظرم کمتر از این میزان است. شاید اگر در مورد سواد خواندن از من سؤال کنید من راحت‌تر بتوانم پاسخ دهم؛ فکر می‌کنم باید بین نتایج ارزشیابی رسمی و انتظاری که از یادگیری تحت عنوان مهارت داریم تفکیک قائل شویم.

من شخصاً به عنوان یک دانش‌آموز خسته تعلیم و تربیت نظرم این است که تا روش‌های آموزشی مبتنی بر کاربست نباشد نمرات بالای دانش‌آموزان هم در درس‌ها لزوماً بیانگر یادگیری عمیق و پایدار در زندگی واقعی نیست.



قبل از

اجرای طرح

حامی یک

پیش‌آزمون و

بعد از اجرای

آن، یک

پس‌آزمون

گرفتیم؛

نتایج این دو

آزمون نشان

داد بیش از

۸۰ درصد

موفقیت

داشته‌ایم و

این تحقیقات

مربوط به یک

سالی است

که طرح اجرا

شد. بنابراین

در سال اول

دربرگیری این

طرح ۵ درصد

بود و سال بعد

به ۲۵ درصد

رسید



هر چقدر که

ما بتوانیم

دوره پیش

دبستانی را در

کتابخانه‌های

کتابخانه‌های

مناطق

محروم،

فراگیرتر

کنیم فاصله

و شکاف در

نتایج یادگیری

کتر خواهد

بود.

نتایج تیمز و

پرلز در ایران

نشان می‌دهد

دانش‌آموزانی

که تجربه دوره

پیش‌دستانی

را داشتند و

دانش‌آموزانی

که نداشتند،

در پایه چهارم

و هشتم

تفاوت قابل

ملاحظه‌ای

باهم داشته‌اند